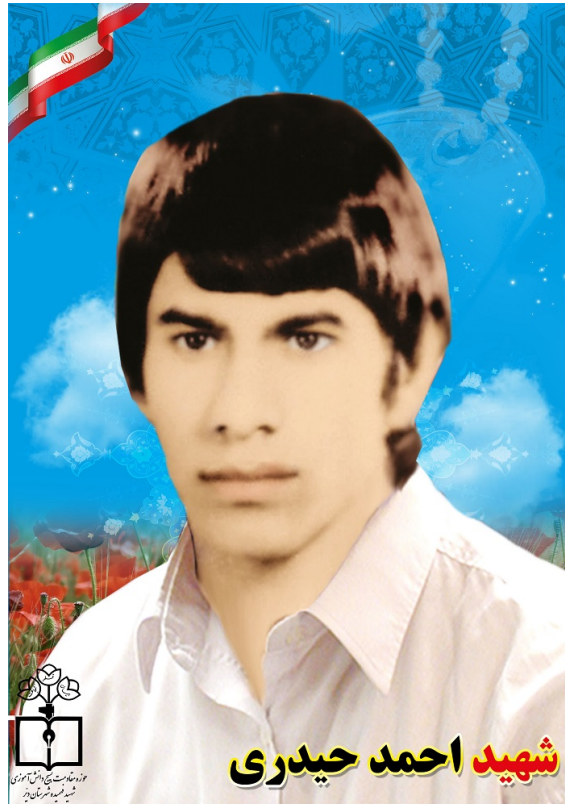


شہید احمد حیدری



از بشارت علی
سماں جامع سرداران و دہشتگردان استان بوشهر

نام پدر	عباس
تاریخ تولد	۱۳۳۹/۱۰/۱۲
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۵۷/۰۹/۱۳
محل شهادت	دیر
مسئولیت	—
نوع عضویت	سایر (شهیدانقلاب)
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره دبیرستان
مدفن	دیر

زندگینامه

در یکی از روزهای سرد دیماه سال ۱۳۳۹ خورشیدی، خداوند به خانواده ای از روستای مل کنزه، منت نهاد و به آنان طفلی عنایت فرموده که به یمن و مبارکی نامش را احمد گذاشتند و از آنجا ئیکه زندگی و گذران معیشت در روستا بسیار سخت بود، پدر و مادر شهید مجبور شدند برای پیدا کردن وضعیت بهتر امورات حیاتی به دیر نقل مکان نمایند و فرزند خود را که هنوز به سن و سال مدرسه نرسیده بود به مکتبخانه گذاشتند. از همین مکان مذهبی بود که احمد رشد و نبوغ فکری خود را آشکار ساخت و چنان شیفته قرآن کریم و احادیث آن گردید که در مدت کوتاهی قرآن مجید را بنحو احسن و شایسته ختم کرد و با آمادگی کامل وارد دبستان داریوش دیر شد.

و چون پایه و ریشه تعلیم و تربیتش قرآنی و محکم بود در مدرسه شاگرد نمونه و از نظر اخلاقی از کلیه همدوره هایش بارزتر و کاملتر مینمود. بطوریکه دیگران وی را سرمشق و الگوی خود قرار داده بودند. پس از اتمام دوره دبستان از آنجائیکه تشنه علم و سواد بود با توجه به فقر و تهیدستی با عزمی راسخ و همتی والا در سال ۱۳۵۴ در امتحان دوره ورودی دانشسرای کشاورزی علی آباد کمین استان فارس شرکت و با نمره ممتاز قبول و مشغول تحصیل شدند.

شهید احمد حیدری در دانشکده نیز فردی لایق و شاگرد اول و مذهبی و خوش اخلاق و دارای حسن سلوک بود بهمین خاطر هم در عزایش دوست و دشمن گریستند. حتی دژخیمان رژیم با وجود خفقان در مراسم حاضر شده و اشک ریختند. دوران تحصیل احمد حیدری مصادف شد با اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری حضرت امام (رض) که توأم بود با دستور تعطیلی مدارس و مراکز علمی. طبیعتاً احمد حیدری بنا به توصیه رهبر و مولای خود دست از تحصیل موقتاً کشید. و به دیر نزد خانواده اش مراجعت کرده ولی اصلاً آرام و قرار نداشتند زیرا دین و اسلام را در خطر تهدید می دیدند. لذا همواره در همه جا در مجالس و مساجد و نکایا حاضر و فعالانه در راهپیمائیا شرکت میجستند. گویا گمشده ای داشتند و هر جا و هر زمان بدنال گمشده اش بود.

از آنجائیکه انسان از بدو تولد خداوند در لوح تقدیرش تمام زندگیش رقم زده است و اصلاً خداوند وی برای سعادت خانواده اش شهید خلق کرده بود، بالاخره در روز جمعه ۱۳ آذر ۵۷ در راهپیمائی با شکوهی که در دیر برگزار شده بود شرکت کرده و مورد اصابت گلوله سربازان اهریمنی شاه قرار گرفت و نقش زمین شد. چون تعداد مجروحین زیاد بوده و دژخیمان ستمشاهی از یاری رساندن به آنان ممانعت میکرد. برادرش خاطره دلاوری شهدا^۱ در اذهان زنده کرده و نعش بخونش آغشته و پاره پاره وی را با کمک تنی چند از مردم به درمانگاه محل که در محاصره شدید افسران و نظامیان بود رسانیده و از آنجا بوسیله یک وانت بار مظلومانه راهی مرکز استان گردیده ولی شدت جراحات و خستگی و شدت ضعف و تشنگی، بالاخره توان این عزیز را تمام کرده و نزدیکی های روستای گشی، قلبی که برای مردم می تپید و همواره غمگسار مردم بود و مملو از عشق به امام و اسلام بود برای همیشه از حرکت باز ایستاد و بدین گونه احمد شربت گوارای شهادت را که لایق و عاشقش بود نوشید. در آن لحظه ای که برادرش شاهد و ناظر صحنه شهادت بود و دریافت که دیگر برای همیشه تنهاست جنازه برادر را به دیر انتقال داده و بصورت مخفیانه ولی در عین حال دلیرانه و شجاعانه به گلزار شهدای رسانیده و امانت الهی را خالصانه تحویل معبود داد و گرچه دیگر احمد حیدری از بین ما رفته بود و ابدیتی جاوید پیوسته و کمال مطلق یافته بود ولی یاد و خاطراو در ذهن ما و رسم و روش او الگوی زندگی خانواده و ما مردم این دیار گردید.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران